

گفت و گوی «فرهیختگان» با دکتر طاهره نصر، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز

**دلیل رکود در بازار مسکن
تشدید رکود اقتصادی است**

«۱۵»

مدیر مرکز امور خادمین
آستان قدس رضوی:

**سازماندهی ۷۰ هزار خادمیار
برای خدمت به محرومان**

«۶»

آیا مدیران فرهنگی که به جشنواره می‌روند برای فروش فیلم‌ها هم کاری می‌کنند؟

**متخصصان
تور بسم مدیریتی**

«۴»

مرکز آمار اخیراً اعلام کرد در ۹ ماه اول امسال ۹۸۶ هزار شغل ایجاد شد اما اقتصاددانان به این عدد مشکوک هستند

این همه شغل کجارتفه؟!

«۹»

در یک نشست
دانشگاهی مطرح شد

**دانشگاه و بحران
بی‌ایدگی**

«۱۲»

امید روزبه، ترانه‌سرا
در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

**ترانه‌فرزند
ناخلف شعر
نیست**

«۸»



آمارها می‌گویند از سال ۸۹ تا ۹۶ از شرکت کنندگان در گروه فنی و مهندسی آزمون سراسری ۱۷۱ هزار نفر کم شده است

**کاهش محسوس آرزوی
«مهندسی» شدن**

صفحه ۸ را بخوانید

ناجادر مواجهه با اغتشاشات دی‌ماه و اعتراضات رادیکال هفته گذشته رویکرد مقتدر و رتوفی داشته است

دیوار همیشه کوتاه ناجا

از مرزبانی طاقت فرسا گرفته تا مبارزه شبانه‌روزی با باندهای مخوف مواد مخدر نیروهای ناجا شهید می‌دهند، به تازگی هم در خیابان‌های لوکس تهران با دست‌خالی برای کنترل یک فرقه درویش مسلک به میدان آمده‌اند دست‌آخر باز هم شهید دادند، اما معلوم نشد چه کسی با وجود اطلاعات قبلی به نیروهای ناجا فرمان مماشات داده بود

صفحه ۳ را بخوانید



روایت دست اول

از عملیات شجاعانه اسکی‌بازان در «دنا»

محل صعب‌العبور سقوط هواپیمای ATR در کوه دنا، انتقال پیکرهای سرنشینان را با مشکل مواجه کرد تا اینکه اسکی‌بازان از راه رسیدند

«۷»

عکس: مونا موهبتیگر/ایسنا

علوم انسانی اقتضائی

سخنان روز گذشته رئیس‌جمهور در باب علم به خصوص بومی‌سازی و علوم انسانی تناقضی آشکار با روایتش از علم در سال ۹۰ دارد



محمدعلی بیگی
دبیر اندیشه

آقای روحانی در اختتامیه سنی و یکمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی، تکلیف علم را روشن و اقسام اهل علم در کشور را معرفی فرمودند و درست و غلط در حوزه علم را هم معرفی کردند و خلاص، ایشان گفته‌اند:

«علم، علم است و به «نوع تفکر» و «ایدئولوژی» وصل نمی‌شود. عده‌ای در کشور ما سال‌ها وقت صرف کردند تا ریاضی و فیزیک اسلامی درست کنند؛ ایشان پول، وقت و امکانات زیادی صرف کردند، اما حاصلی به دست نیاوردند. این عده حتی تلاش کردند، علوم را در دست‌بندی‌های علوم مرتبط با دین و علوم ضددینی یا علوم سنتی و جدید تقسیم‌بندی کنند و اصرار داشتند که نباید علوم جدید را بپذیریم و می‌گفتند ما هرچه از علم نیاز داریم می‌توانیم از حوزه‌های علمیه به دست بیاوریم، لذا نیازی به دانشگاه نداریم. امروز دیگر این تفکرات در جامعه ما طرفداری ندارد.»

البته نگارنده نمی‌داند چه کسانی در پی فیزیک و شیمی و ریاضی اسلامی بوده‌اند و این در حالی است که در ۱۱ سال گذشته مطالعات مربوط به فلسفه علم راندیال کرده است. خوب است ریاست محترم‌جمهور با نام و نشان، بفرمایند این افراد مجهول‌الیه چه کسانی بوده‌اند و کسانی که به این افراد پول و وقت دادند، چه کسانی.

اما آقای رئیس‌جمهور ادامه داده‌اند که «عده دیگری بودند که سعی داشتند ثابت کنند آغاز و منشأ همه علوم از اسلام بوده است و برای ربط دادن

ادامه در صفحه ۱۶

«دیدگاه»

شمشیر داموکلس، نه شکست بلکه استراتژی

بزرگ‌ترین نقدی که به عملکرد کلان دولت جناب روحانی در عرصه سیاست خارجی وارد است، همانایی توجیهی به کوتاه‌مدت بودن منافع برجام برای کشور است. گرچه این خود یک مساله بسیار اساسی است که چرا عملکرد تیم مذاکره‌کننده به حصول توافق با دامنه منافع کوتاه‌مدت و پزنوسان برای کشور انجامید؛ اما از آنجا که برجام با کیفیت یادشده واقع شده است و سخن گفتن از روند حصول به آن تغییر در مفاد آن در حال حاضر ایجاد نمی‌کند لذا در اینجا محل بحث ما نخواهد بود، گرچه باعث عبرت‌ها و افسوس‌های بسیار بزرگی برای آیندگان و دستمایه بررسی‌های تاریخی و دانشگاهی خواهد بود. اما آنچه اکنون می‌شود درباره‌اش سخن گفت بدون اینکه نگران گذشتن کار از کار بود، همین کوتاه‌مدتی منافع برجام برای کشور است. این شمشیر داموکلس تا چه زمانی بر سر کشور باقی خواهد ماند؟ وجود این وضعیت آیا برای همه گروه‌های ذی‌قدرت در ایران یک تهدید است؟ یا برای بعضی فرصتی بی‌نظیر به نظر می‌آید؟

این ایده محوری لیبرالیسم در روابط بین‌الملل است که «وابستگی متقابل» به‌خوبی می‌تواند جایگزین موازنه قوای مورد تأکید در روابط بین‌الملل ژئالیستی شود. به این نحو که در یک نظام پیچیده وابستگی‌های اقتصادی کشورها به یکدیگر، این پیچیدگی و تاثیر بلند دامنه آن بر تعداد بسیار زیادی از مسائل داخلی کشورها، باعث می‌شود دولت‌ها برخورد خود با یکدیگر را براساس محاسبه سود و زیان تنظیم کنند و از این رو برای داشتن جهانی صلح‌آمیزتر باید کشورها را به درون یک نظام اقتصادی به‌شدت همبسته وارد کرد تا بسیاری از تعارضات اساسی بین آنها اصولاً فرصت ظهور و بروز نیابد. در این شرایط کشور با کشورهای که بیرون از این نظام پیچیده روابط متقابل قرار دارند در برابر سایر کشورها فاقد توان بازآرندگی خواهند بود و ابزارهای سنتی بازآرندگی آنها ازجمله توان نظامی آنها در برابر هم‌افزایی کشورهای با سطوح بالای اشتراک منافع، بی‌اثر و ناکارآمد خواهد بود. اما به اجمال مهم‌ترین نقد به این تئوری را می‌توان این‌گونه بیان کرد که در عالم واقع اشتراک منافع همواره در حالی با وزن یکسان ممکن نخواهد بود. در جهان کنونی منافع‌های هر کشور به دیگر کشورها می‌تواند عرضه کند به‌شدت به سطح توسعه‌یافتگی آن وابسته است به‌نحوی که هرچه کشور موردنظر توسعه‌یافت‌تر باشد، منافع‌های آن در این مبادله کلان عرضه می‌کند انحصاری‌تر و غیربازاری‌تر خواهد بود و دیگر کشورها در یک رابطه یک‌سویه به آن وابسته خواهند شد بدون اینکه آنچه در مقابل عرضه می‌کنند ویژگی‌های هم‌بستگی با آن داشته باشد. برای کشورهای فقیر، در حال توسعه و ارائه‌دهنده مواد خام و تولیدات کشاورزی در برابر کشورهای توسعه‌یافته ارائه‌دهنده سرمایه و تکنولوژی، روابط متقابل اقتصادی به‌هیچ‌وجه هم‌سنگ نبوده و از ویژگی موازنه بخش خود تهی خواهد بود. در جهان کنونی تولیدکنندگان مواد خام و تولیدات کشاورزی بسیار پرشمارتر از کشورهای توسعه‌یافته با اقتصادهای دانش‌بنیان و عظیم هستند، لذا لیبرالیسم اقتصادی و ایده خودتنظیم‌گری‌اش در عرصه روابط بین‌الملل از اساس با چالش مواجه است. ایران نیز در حال حاضر دارای یک اقتصاد مبتنی بر مواد خام به‌ویژه نفت است که به‌خوبی مشخص شده است که در جهان امروز به کل می‌توان آورده‌اش نفت خام و انرژی‌های فسیلی را با تکیه بر دیگر تولیدکنندگان این محصولات نادیده گرفت. در عمل کشورهایی مثل عربستان و عراق در دوران تحریم نفتی ایران بدون هیچ مشکلی سهم ایران را در بازار نفت جهان تأمین کردند و برای ارائه سهمی بیشتر نیز ظرفیت تولیدی بالقوه داشته و دارند. در این شرایط بازگشت ایران به نقش قبلی خود در همان وضعیت نابرابر و شکننده‌ای که وصف آن رفت هم با چالش‌های عظیمه‌ای مواجه است. این مهم‌ترین توضیح جفت نشدن نفت ایران با اقتصاد جهانی در حال حاضر است. پیروی از این ایده اثر موازنه‌ای وابستگی‌های پیچیده اقتصادی، سرمشق اصلی دولت تدبیر و امید در روابط بین‌الملل است و تأکید بسیار زیاد چهره‌های تصمیم‌ساز این دولت بر آمادگی ایران برای ایجاد پیوندهای اقتصادی گسترده با اروپا و همچنین میل وافر به جذب سرمایه خارجی ازجمله مهم‌ترین برون‌داده‌های این تمایل هستند. چندی پیش وزیر نفت دولت جناب روحانی در اظهارنظری به ابراز تعجب از عدم ورود شرکت‌های آمریکایی به بازار نفت و انرژی ایران پرداخته بود؛ ابراز تعجبی که در پس آن یک افسوس بسیار بزرگ از عدم ورود این شرکت‌ها به بازار پرسود و کم‌ریسک نفت ایران قرار دارد. افسوس برآمده از نتایج چشم‌داشتی ایجاد روابط متقابل اقتصادی و شروع چفت شدن منافع شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکا با ایران به تبع آن تحت‌تأثیر قرار گرفتن رفتار دولت آمریکا در قبال ایران و در تحلیل نهایی گشوده شدن هرچه بیشتر عرصه برای عادی‌شدن شرایط نفتی روی اقتصاد ایران؛ رویایی خام و آرزویی محال. چه اینکه نادیده گرفتن یک تولیدکننده نفتی در جهان کنونی به‌خوبی قابل اجرائست.

ادامه در صفحه ۳

«یادداشت»

انمه جمعه و بازگشت به امر اجتماع

اعتراضات نه‌تنها کمکی به این ستم‌دیدگان نکرد بلکه اصل اتفاق را پیچیده‌تر کرد. ماجرای معدن بورت، کارگران آذربایجان، هیکو، کیان کرد، آلومینیوم‌سازی المهدی و... نمونه‌های بارزی هستند که بسیاری از رسانه‌ها به‌جای پیدا کردن سرخ مشکلات، گرفتار کلاف سردرگم سیاست شدند.

نکته چهارم موج مثبتی است که بین انمه‌جمعه درباره بازگشت به امر اجتماع به وجود آمده است. رفتارهای مثبت و مردمی حجت‌الاسلام آل‌هاشم، نماینده ولی‌فقیه و امام‌جمعه تبریز و دستور او برای برداشتن زنده‌های بین مسئولان و مردم در نمازجمعه، نوع تعامل مثبت او با قشرهای مختلف مردم و هم‌نشینی و هم‌صحبت شدن با دانشجویان در خوابگاه‌ها و شنیدن و پیگیری مشکلات مردم، زندگی کردن حجت‌الاسلام فاطمی‌نسب، امام‌جمعه سرپل ذهاب در جادر و لمس مشکلات مردم زلزله‌زده و همچنین رفتار اخیر و مثبت حجت‌الاسلام حاجتی در شنیدن و پیگیری مشکلات کارگران معترض اهوازی نوید تعامل جدی و جدیدی بین مردم و حاکمیت با واسطه‌گری انمه‌جمعه می‌دهد. موج

این رفتارهای مثبت روزبه‌روز در استان‌های دیگر هم دیده می‌شود و یکی از سبب‌های به‌شدت رسمی و کم‌انعطاف منتسب به نظام در حال تبدیل شدن به نقطه مثبت و قابل اتکالی این روزها شده است. این اراده جمعی مثبت در حالی است که گذشته شاهد بودیم بعضی از انمه‌جمعه‌ها پرخاش معترضان کارگر از نمازجمعه اخراج می‌کردند و می‌گفتند حق با هر کسی هست به‌من‌چه ربطی دارد! اینجاست که باید گفت این کجا و آن کجا.

پنجمین نکته این است که بقیه دستگاه‌های نظامی و امنیتی هم بحق در چند وقت اخیر رفتارهای عاقلانه‌تری با معترضان داشتند. مجموعه مطالبات صنفی معمولاً با هدایت پلیس و بدون هیچ مشکلی انجام شد. بماند که اراده‌ای برای حل مشکلات بود یا خیر؛ اما این سیاست‌گذاری باعث می‌شود مردم راحت‌تر بتوانند مطالبات صنفی و اقتصادی خود را انجام دهند و با هوشیاری جلوی سوءاستفاده سیاسی دشمنان رانیز بگیرند. اگر مردم که خواست زیادی از برخورد غلط امنیتی داشتند. این دور باطل به دلیل عدم درک و تمیز قائل شدن اعتراضات درست و نادرست توسط مسئولان و نشناختن روش صحیح اعتراضات توسط افرادی که حق‌شان پایمال شده همواره این دو گروه را نسبت به هم مشکوک کرده بود که اتفاق اخیر به شرط پایان خوشش، می‌تواند مقدمه‌ای برای اصلاح رفتارهای غلط گذشته باشد.

سوم اینکه متأسفانه رسانه‌ها طی سال‌های اخیر برخورد منصفانه‌ای با پدیده اعتراضات برحق کارگران و ستم‌دیدگان نداشتند. صیدگیری سیاسی از این ماجرا‌ها به‌علیه جناح‌های سیاسی به‌واسطه اخبار

جمعه گذشته کارگران شرکت گروه ملی فولاد که ماه‌ها حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند، به مسالای نمازجمعه اهواز آمدند تا صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان برسانند.

سبک اعتراضات این عزیزان و عکس‌العمل امام‌جمعه پیام‌های متفاوتی داشت و از جهات مختلفی قابل تحلیل است.

اول اینکه پناه بردن این کارگران به نمازجمعه پیام مهمی داشت. اینکه قشر ستم‌دیده‌ای که حشش ضایع شده امید به شنیده شدن صدایش در مراسم منتسب به حاکمیت دارد اتفاق مثبتی است. اعتراضات هدفی غیر از خواست صنفی نداشت و قرار نیست از بستر این اعتراضات هدف دوم سیاسی شکل بگیرد. عکس‌العمل مثبت امام‌جمعه موقت اهواز مکمل این ماجرا بود. او ضمن همدردی با کارگران از دولت و مسئولان مربوطه خواست هرچه سریع‌تر نسبت به رفع مشکل این کارگران اقدامات لازم را انجام دهند. جلسات مستمر وی با این کارگران قبل از نمازجمعه هم نشان می‌دهد این حرف دیپلماتیک و رسمی نیست و در حال پیگیری است. نگارنده معتقد است اقشار مختلف مردم باید جس کنند نمازجمعه تکرار مکررات نیست و می‌توانند جدی‌ترین محل برای طرح مطالبات بحق مردم باشند.

دوم اینکه ما با سبک جدید اعتراضات صحیح مواجه هستیم که اجازه هیچ‌گونه سوءاستفاده به دشمنان نمی‌دهد. این فکر غلط که اعتراض به هر شکلی ولو صنفی، یک چالش امنیت ملی است معمولاً به دلیل سبک غلط اعتراضات و تند شدن شعارها و بهره‌گیری گروه‌ها که بستر تظاهرات‌ها تشدید می‌شد. مسئولان مصداق‌های زیادی از سیاسی شدن اعتراضات و ادله ملموسی برای مقابله با آن داشتند و ستم‌دیده‌ها نیز نمونه‌های زیادی از برخورد غلط امنیتی داشتند. این دور باطل به دلیل عدم درک و تمیز قائل شدن اعتراضات درست و نادرست توسط مسئولان و نشناختن روش صحیح اعتراضات توسط افرادی که حق‌شان پایمال شده همواره این دو گروه را نسبت به هم مشکوک کرده بود که اتفاق اخیر به شرط پایان خوشش، می‌تواند مقدمه‌ای برای اصلاح رفتارهای غلط گذشته باشد.

سوم اینکه متأسفانه رسانه‌ها طی سال‌های اخیر برخورد منصفانه‌ای با پدیده اعتراضات برحق کارگران و ستم‌دیدگان نداشتند. صیدگیری سیاسی از این ماجرا‌ها به‌علیه جناح‌های سیاسی به‌واسطه اخبار

«دیدگاه»

«یادداشت»

«دیدگاه»

«یادداشت»